

آن حکایات اینست آنچه درین کتاب از بیان عقاید این فرق ضالیه  
 و تقریر آنچه آنها میسر شده آن در فهم معانی آیات خاصه است و الله  
 کافی است **فصل** در بقیه مباحث علوم بچکاره باید دانست که نزول قرآن  
 برای تہذیب طایفه بشر است از عجز و محم و ضر و بد و بسکت  
 ای معنی آن شد که در تہذیب مابعد و بعد زیاده از آنچه معلوم اکثر افراد  
 بینی آدم بود خطاب نمود و زیاده بخت و تقصیرش بکار بنیاد و در سخن  
 در اسما و صفات الله بوجهی مسوق شد که باور کی و نظایری  
 که از او است آن در اصل فطرت بر آن مخلوق اند بدون  
 حکمت الهیه بدون عزادت علم کلام آن را تواند اعطاء نمود  
 و بفهم آن رسید پس اثبات دولت مبدا اجالا فرمود که این  
 علم ساری است در افراد بینی آدم هیچ طایفه ازین صاف  
 اقلیم صالح و آنکه قریبه باجدال نبوی که میگردانند و چون  
 صفات بطریق امعان و تحقیق تحقیق به نسبت اثبات آن

بود و اگر اهل بر صفات الهی مطلع نشوند بمعروف ربوبیت که نشانی  
 در تہذیب نفوس همانست نزد حکمت الهی معنی آن شد  
 که از صفات کامله بشر که آن را امید از بند و بوجود آن تمدن میان  
 جاریست چندی بگریزد و آن را با بار الهی معانی غایبه که خوبان  
 بحت جلال او راه نیست استعمال فرمود و نمکد میس کنند  
 تریاق و لذت نفسان اصل کتب چندی از صفات بشریه که در اثبات  
 مثل آن دوران او نام بجانب عقاید باطله حاصل شد مثل اثبات  
 ولد و بکار و جز منوع فرمود که گریک لیکن جریان بر سطر علوم  
 غیر کتب ایشان و نیز صفاتی که اثبات آن می توان کرد در آن  
 چنانچه بینی آید از صفاتی که دوران او نام باطل می نماید اوری  
 که از نام عامه بان نوزان رسید لاجرم این علم توفیقی است  
 مکمل با آنچه خواهند داده شد و از الله و آیات قدرت او  
 آن را اختیار فرمود که ضر و بد و عجز و محم یکسان فهم کنند